Manutschehr Amirpur

Wörterbuch der Politik, Teil 3

Gang	حرکت
in - bringen	به حرکت آوردن
Garantie	تضمین ، ضمانت
kollektive -	تضمین جمعی
nukleare -	تضمین اتمی / هسته‌ای
staatliche -	تضمین / ضمانت دولتی
verfassungsmäßige -	تضمین قانون اساسی
Garantieabkommen	موافقتنامه تضمین / ضمانت
Garantiefonds	صندوق ضمانت
europäischer Land -	صندوق ضمانت
wirtschaftlicher -	کشاورزی اروپا
Garantiemacht	قدرت تضمین کننده / ضامن
garantieren	تضمین کردن
Garantieverpflichtung	تعهد ضمانت
Garantieversprechen	(قول) تضمین
gegenseitiges -	تضمین دوجانبه
Garantievertrag	قرارداد تضمین / ضمانت
gegenseitiger -	قرارداد دوجانبه ، تضمین
Garde	گارد ، واحد محافظ
Garden	گاردها
die Roten -	گارد های سرخ
Gaskammer	اطاق گاز ، محفظه اعدام با گاز
Gaskrieg	جنگ گاز (شیمیائی)
Gast	مهمان
hoher -	مهمان عالیقدر
Gästebuch	کتاب یاد بود میهمانان
Gastdelegation	هیات مهمان
Gästehaus	مهمانخانه
Gastfreundschaft	مهمان نوازی
Gastgeber	میزبان
Gastland	کشور میزبان
GATT	موافقتنامه عمومی گمرگی و بازرگانی
Abk. f.: General Agreement on Tariffs and Trade	
dt.: Allgemeine Zoll- und Handelspolitik	موافقتنامه عمومی گمرگی و بازرگانی

Gaullismus	گلیسم ، دوگل گرائی
Gaza-Streifen	نوار غزه
geben	
einen Bericht in Umlauf -	خبری را به انتشار درآوردن
jemandem Blankovollmacht -	به کسی کارت سلانش (اختیار تام)دادن
einen Empfang -	ضیافت دادن
ein Essen -	به غذا دعوت کردن
sich eine Geschäftsordnung -	آئین کاری برای خود تنظیم کردن
ein Interview -	مصاحبه کردن
seine Stimme einer Partei -	رای خود را به حربی دادن
Geberland auch: Gebarstaat	کشور وام دهنده
Gebiet	منطقه ، حوزه ، سرزمین ، ارض ، بخش
- des Zollwesens	حوزه گمرکی
abgefallenes -	منطقه / سرزمین تجزیه شده
abgetretenes -	منطقه / سرزمین واگذاری شده
auf außenpolitischem -	در بخش سیاست خارجی
besetztes -	منطقه اشغالی
bewohntes -	منطقه مسکونی
entmilitarisiertes -	منطقه غیر نظامی
feindliches -	سرزمین دشمن
fremdes -	سرزمین بیگانه
herrenloses -	منطقه بی صاحب
auf innenpolitischem -	در بخش سیاست داخلی
losgelöstes -	منطقه جداشده
neutrales -	منطقه بی طرف
überseeisches -	سرزمین ماوراء بحار
umstrittenes -	منطقه مورد اختلاف
unterentwickeltes -	منطقه کم رشد / توسعه نیافته
Gebiete	مناطق ، سرزمین ها
nicht autonome -	مناطق وابسته
nichtselbständige -	مناطق غیر مستقل
überseeische -	سرزمین های ماورا ، بحار
Gebietsabtretung	واگذاری منطقه
Gebietsansässige	ساکنان / مقیمان منطقه
Gebietsanspruch	ادعای ارضی
Gebietsaufteilung	تقسیم اراضی
Gebietsausschuß	کمیسیون ارضی
Gebietsaustausch	مبادله ارضی
Gebietserweiterung	توسعه ، ارضی
Gebietsforderung	ادعای ارضی
Gebietsfremder	غیر مقیم
Gebietsgarantie	تضمین ارضی
Gebietsgliederung	تقسیمات منطقه‌ای
Gebietsherrschaft	حاکمیت منطقه‌ای

Gebietshoheit	خاکمیت منطقه‌ای
Gebietskörperschaft	حکومت منطقه‌ای
Gebietsreform	اصلاحات منطقه‌ای
Gebietsstreitigkeit	اختلاف ارضی
Gebietsstruktur	ساختار منطقه‌ای
Gebietsübertragung	واگذاری منطقه
Gebietsveränderung	تغییرات ارضی
Gebietsvergrößerung	توسعه / گسترش ارضی
Gebrauch machen von der Waffe -	سلاح کشیدن
Gebühren	کار مزد
Geburtenbeschränkung	محدود کردن موالید
Geburtenrate	میزان موالید
Geburtenregelung	تنظیم موالید ، جلوگیری از آبستنی
Gedankenaustausch	تبادل نظر
Gedankenfreiheit	آزادی افکار
Gedenkfeier	جشن یاد بود
Gedenkstätte	یاد بود (گاه)
Gefahr unmittelbar drohende -	خطر خطر مستقیم
gefährden den Frieden -	دچار خطر کردن صلح را دچار خطر کردن
Gefahrenherd	منبع خطر
gefährlich	خطر ناك
Gefangenenlager	اردوگاه اسیران / زندانیان
Gefangener politischer -	زندانی ، اسیر زندانی سیاسی
Gefangennahme	دستگیری
gefangennehmen	دستگیر کردن
Gefangenschaft	اسارت
Gefängnis	زندان
Gefecht	نبرد ، رزم
Gefechtskopf atomarer -	کلاهك رزمی کلاهك اتمی

Gefechtswaffen سلاحهای رزمی

Gefolge ملتزمین ، همراهان
offizielles - ملتزمین رسمی
privates - ملتزمین خصوصی / اختصاصی
ziviles - ملتزمین غیر نظامی

Gefolgsleute پیروان

Gefüge ساختار ، بنیان
gesamtwirtschaftliches - ساختار اقتصادی عمومی

Gegebenheiten واقعیت ها ، شرایط
die gesellschaftlichen - واقعیات / شرایط اجتماعی

Gegenangebot پیشنهاد متقابل

Gegenangriff حمله، متقابل ، یاتك

Gegenanspruch ادعای متقابل

Gegenantrag پیشنهاد متقابل دادن
- stellen

Gegenbesuch باز دید

Gegenblockade محاصره متقابل

Gegenentwurf طرح متقابل

Gegenerklärung بیانیه، متقابل

Gegengewicht وزنه / نیروی متقابل
politisches - نیروی سیاسی متقابل

Gegengewichtsstrategie استراتژی نیروی متقابل

Gegenkandidat نامزد، رقیب ، نامزد (حزب) مخالف
keinen -en haben (نامزد) رقیب نداشتن

Gegenkundgebung تظاهرات متقابل

Gegenmacht قدرت همسنگ
auch: countervailing power

Gegenmaßnahmen اقدامات متقابل

Gegenoffensive تهاجم متقابل
eine - einleiten تهاجم متقابل را آغاز کردن

Gegenpartei حزب مخالف

Gegenprobe رسیدگی متقابل

Gegenpropaganda تبلیغات متقابل ، باد آوازه‌گری

Gegenregierung دولت در هجرت غیر قانونی

Gegenreformation ضد اصلاح (دینی)

Gegenrevolution ضد انقلاب

gegenrevolutionär	ضد انقلابی
Gegenrevolutionär	ضد انقلاب
Gegensatz	تعارض ، مخالفت
Gegenschlag	ضربت متقابل
atomarer -	ضربت اتمی متقابل
kontrollierter -	ضربت متقابل محدود
Fähigkeit zum -	توانائی ضربت متقابل
Gegenschrift	یادداشت متقابل ، اخطار متقابل
gegenseitig	دوطرفه ، متقابل
Gegenseitigkeit	عمل متقابل ، معامله به مثل
- in der Gesetzgebung zweier Länder	معامله به مثل در قانونگزاری دوکشور
- vorausgesetzt	بشرط عمل متقابل / معامله به مثل
Gegenseitigkeitsabkommen	موافقتنامه عمل متقابل / معامله به مثل
Gegenseitigkeitserklärung	اعلام عمل متقابل / معامله به مثل
Gegenseitigkeitsklausel	ماده، عمل متقابل
Gegenseitigkeitsprinzip	اصل عمل متقابل / معامله به مثل
Gegenseitigkeitsvertrag	قرارداد عمل متقابل
Gegenspionage	ضد جاسوسی
Gegenspionagedienst	سازمان ضد جاسوسی
Gegenstand	موضوع
- der Diskussion	موضوع بحث
- des Streitfalles	موضوع مورد اختلاف
- und Grund des Ersuchens	موضوع و علت درخواست
- des Vertrages	موضوع قرارداد
Gegenstimme	رای مخالف
mit vier -n	با ۴ رای مخالف
ohne -	بدون رای مخالف
ohne - verabschieden	بدون رای مخالف تصویب کردن
mit nur einer - wählen	با فقط یك رای مخالف انتخاب کردن
Gegenströmung	جریان مخالف
Gegenteil	متقابل ، متضاد، (بر) عکس
Gegenterror	ترور متقابل ، ایجاد وحشت متقابل
Gegenüberstellung	روبرو کردن ، مواجهه
Gegenunterschrift	امضای دوّم
Gegenuntersuchung	تحقیق / رسیدگی متقابل
Gegenverpflichtung	تعهد متقابل
Gegenvorschlag	پیشنهاد متقابل

gegenzeichnen	امضای دوم کردن ، امضا درتایید امضای اول کردن
Gegner	مخالف
- der Rassentrennung	مخالف تبعیض نژادی
parteiinterner -	مخالف درون حزبی
politischer -	مخالف سیاسی
Gegnerschaft	مخالفت
geheim	سری
Geheimabkommen	موافقتنامه سری
Geheimbund	انجمن سری
Geheimdienst	سازمان امنیت
Geheimdiplomatie	دیپلماسی سری
Geheimfonds	صندوق سری
Geheimgespräche	مذاکرات سری
Geheimhaltung	رازداری ، حراست
Geheimklausel	ماده سری
Geheimkonferenz	کنفرانس سری
Geheimnisträger	امین راز ، کسی که دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده دارد.
Geheimorganisation	سازمان سری / مخفی
Geheimpolizei	پلیس مخفی ، کارآگاهی
Geheimprotokoll	پروتکل سری
Geheimsender	فرستنده، مخفی
Geheimsitzung	جلسه سری
Geheimvertrag	قرارداد سری
Gehirnwäsche	مغزشوئی
Geisel	گروگان
Geiselerschießung	تیرباران گروگانها
Geist und Buchstabe	روح و نص
- der Gesetze	روح و نص قوانین
- des Vertrages	روح و نص قرارداد
Geld	پول
Geldangebot	عرضه پول
Geldaufnahme	وام گیری
Geldentwertung	تورم، کاهش ارزش پول

Geldentwertungsrate	نرخ تورم
Geldkaufkraft	قدرت خرید پول
Geldkreislauf	گردش پول
Geldmarkt Intervention am - Zugang zum -	بازار پول مداخله در بازار پول دسترسی به بازار پول
Geldpolitik	سیاست پولی
Geldumlauf	گردش پول
Geldvolumen	حجم پول
Geldwert	ارزش پول
Geldwertstabilität	ثبات ارزش پول
Geldwirtschaft	اقتصاد پولی
Gelegenheit	فرصت
gelingen	موفق شدن
Geleit	مشایعت ، هدایت
Geleitzug	اسکورت ، قافله مشایعت
gelten gilt sinngemäß die Bestimmungen - für	اعتبار داشتن ، صدق کردن ، نافذ بودن بنابه مورد صدق می‌کند / معتبر است ۰ مقررات برای ۰۰۰معتبرند / نافذند / صدق می‌کنند
geltend -e Bestimmungen -e Gesetze	نافذ، معتبر ، جاری مقررات معتبر / جاری قوانین معتبر
geltend machen Rechte - seinen Einfluß -	احقاق کردن ،اجراکردن احقاق حق کردن نفوذ خود اجرا کردن
Geltendmachung	تنفیذ
Geltung	اعتبار
Geltungsbereich	قلمرو ، حوزه ، اعتبار
Geltungsdauer	مدت اعتبار
gemäß - ihren verfassungsrechtlichen Vorschriften	طبق ، بنابه طبق مقررات قانون اساسی آنها
gemäßigt	میانه‌رو ، معتدل
Gemeinde	ناحیه
Gemeindeabgaben	عوارض ناحیه / شهری
Gemeindeausgaben	هزینه‌های ولایتی

Gemeindebeamter	مامور ولایتی / ناحیه
Gemeindebehörden	ادارات ولایتی
Gemeindeeinnahmen	عوابد ولایتی
Gemeinderat	شورای ناحیه
Gemeindeverwaltung	حکومت ولایتی
Gemeindewahlen	انتخابات ولایتی
Gemeineigentum	دارائی عمومی
Gemeininteresse	مصالح عمومی
gemeinnützig	عام المنفعه
-e Einrichtungen	موسسات عام المنفعه
Gemeinsamer Markt	بازار مشترك
gemeinsames Vorgehen	اقدام مشترك
Gemeinschaft	جامعه
Atlantische -	جامعه آتلانتیك
erweiterte -	جامعه گسترش یافته
Europäische -	جامعه اروپا
Beziehungen innerhalb der -	روابط داخلی جامعه
Organe der -	نهادهای جامعه
Zusammenhalt in der -	همبستگی در جامعه
- der Zwölf	جامعه دوازده ملت
Gemeinschaftsaufgaben	وظایف جامعه
Gemeinschaftsausgaben	هزینه‌های جامعه
Gemeinschaftsebene	سطح جامعه
auf -	در سطح جامعه
Gemeinschaftsfahrplan	برنامه، جامعه /تقویم کار جامعه
Gemeinschaftsfinanzierung	تامین هزینه‌های جامعه
Gemeinschaftsrecht	قانون جامعه
Gemeinwohl	مصالح عمومی
genehmigen	تصویب کردن ، موافقت کردن ، اجازه دادن
das Protokoll der vorhergehenden Sitzung -	صورتجلسه ، نشست قبلی را تصویب کردن
die Tagesordnung -	دستور کاررا تصویب کردن / پذیرفتن
Genehmigung	تصویب ، موافقت ، اجازه
Genehmigungsantrag	درخواست اجازه / موافقت
Genehmigungsbescheid	اعلامیه موافقت
genehmigungspflichtig	مشمول اخذ موافقت
Genehmigungsurkunde	پروانه، موافقت

General	ژنرال ، امیر ارتش
Generalakte	سند عمومی ، قرارداد عمومی
Generalammestie	عفو عمومی
Generalanwalt	دادستان کل
Generalbundesanwalt	دادستان کل فدرال
Generaldebatte	شور عمومی (مجلس)
Generaldirektor	مدیر کل
- des Sekretariats	مدیر کل دبیرخانه
stellvertretender -	معاون مدیر کل
Generalgouverneur	فرماندار کل
Generalgouvernement	فرمانداری کل
Generalhandel	بازرگانی کل (کشور)
Generalinspektor	رئیس ستاد
Generalklausel	مادّه عام
Generalkonferenz	کنفرانس عمومی
Generalkonsul	سرکنسول
Generalkonsulat	سرکنسولگری
Generalleutnant	سرلشکر
Generallinie	خط مشی عمومی
Generalmajor	سرتیپ
Generalmobilmachung	بسیج عمومی
Generaloberst	سپهبد
Generalrat	شورای کل
Generalsekretär	دبیر کل
- der UNO	دبیر کل سازمان ملل متحد
stellvertretender -	معاون دبیر کل
Generalsekretariat	دبیرخانه کل
Generalstab	ستاد کل
Generalstabsausschuß	کمیته ستاد کل
Generalstabschef	رئیس ستاد کل
Generalstreik	اعتصاب عمومی
zum - aufrufen	به اعتصاب عمومی فراخواندن
Generalversammlung	مجمع عمومی
- der Vereinten Nationen	مجمع عمومی سازمان ملل متحد

Generalvertrag	قرارداد عمومی
Genfer Abkommen über die Behandlung der Kriegsgefangenen	کنوانسیون ژنودر باره رفتار با اسرای جنگی
Genfer Abkommen zum Schutze von Zivilpersonen in Kriegszeiten	کنوانسیون ژنو برای حفاظت غیر نظامیان در دوران جنگ
Genossenschaft	تعاونی
Genfer Konvention	کنوانسیون ژنو
Genosse	رفیق
genießen	برخورداربودن
diplomatische Immunität -	ازمصونیت دیپلماتیك برخورداربودن
Genossenschaftsbund	اتحادیه تعاونیها
Internationaler -	اتحادیه جهانی تعاونیها
Genozid	قتل عام (گروههای ملی و نژادی)
Gentleman's Agreement	موافقتنامه / توافق شرافتی
Genugtuung	خشنودی / خوشوقتی
Es ist mir eine besondere - zu	برای اینجانب موجب خشنودی/ خوشوقتی است که
Geopolitik	ژئو پولیتیك ، سیاست جغرافیائی
Gericht	دادگاه
Oberstes -	دادگاه عالی
unabhängiges -	دادگاه مستقل
unparteiisches -	دادگاه بیطرف
Gerichtsbarkeit	قلمرو / صلاحیت قضائی
außergebietliche -	برون مرزی
ausschließliche -	منحصر
freiwillige -	داوطلبانه
innerstaatliche -	ملی
obligatorische -	اجباری
örtliche -	محلی
streitige -	مورد اختلاف
Gerichtsbehörden	مقامات قضائی
auch: Justizbehörden	
Gerichtsentscheidungen	تصمیمات / آراء دادگاه
Gerichtshof	دیوان
- der Europäischen Gemeinschaften	دیوان جامعه اروپا
Europäischer - für Menschenrechte	دیوان اروپائی حقوق بشر
Internationaler -	دیوان بین المللی
Oberster -	دیوان عالی
der ständige internationale -	دیوان دائمی بین المللی
Gerichtskosten	هزینه دادگاه
Gerichtspräsident	رئیس دادگاه
Gerichtsverfahren	دادرسی

Gesamtausschuß	کمیسیون تمام مجلس
Gesamtbericht	گزارش کل
Gesamtprodukt	تولید کل
Gesandter	وزیر مختار ، نماینده ، اعزامی،رسول
Gesandtschaft	وزارت مختار ، نمایندگی سیاسی
geschäftsführend	عامل ، کفیل ،
-er Ausschuß	هیات مدیره
-er Direktor	مدیر عامل
-er Konsul	کفیل کنسولگری
-er Minister	کفیل وزارت
Geschäftsführer	مدیر عامل
parlamentarischer -	مدیر عامل پارلمانی
Geschäftsordnung	نظامنامه داخلی
parlamentarische -	نظامنامه پارلمانی
- der Bundesregierung	نظامنامه دولت فدرال
- des Bundestages	نظامنامه بوندستاگ
Geschäftsordnungs-ausschuß	کمیته نظامنامه، داخلی
Geschäftsordnungs-bestimmungen	مقررات نظامنامه، داخلی
Geschäftsträger	کاردار
- ad interim	کاردار موقت
ständiger -	کاردار دائم
Gesellschaft	اجتماع ، انجمن ، جمعیت ، جامعه
formierte -	جامعه متشکل
klassenlose -	جامعه بی طبقه
menschliche -	جامعه بشری
sozialistische -	جامعه سوسیالیستی
gesellschaftlich	اجتماعی
-es Bewußtsein	شعور اجتماعی ، آگاهی اجتماعی
Gesellschaftsentwicklung	تحول اجتماعی
Gesellschaftsform	نظام اجتماعی
auch: Gesellschaftssystem	
und: Gesellschaftsordnung	
Gesellschaftskritik	انتقاد اجتماعی
Gesellschaftsordnung	نظام اجتماعی
auch: Gesellschaftsform	
und: Gesellschaftssystem	
Gesellschaftspolitik	سیاست اجتماعی
Gesellschaftsrecht	قانون شرکت ها / موسسات انتفاعی
Gesellschaftsschicht	قشر اجتماعی

Gesellschaftsstruktur	ساختار اجتماعی
Gesellschaftsstufen	مدارج اجتماعی
Gesellschaftssystem	نظام اجتماعی
Gesellschaftsvertrag	قرارداد اجتماعی
Gesetz	قانون
einfaches -	قانون ساده
föderative -e	قوانین فدرال
geltendes -	قانون معتبر / جاری
grundlegendes -	قانون بنیادی / اساسی
innerstaatliches -	قانون ملی
rückwirkendes -	قانون عطف به ماسبق کننده
verfassungsänderndes -	قانون تغییر دهنده، قانون اساسی
verfassungswidriges -	قانون خلاف قانون اساسی
zustimmungsbedürftiges -	قانون مشمول تصویب (بوندسرات)
Anwendung eines -es	اجرای قانون
Aufhebung eines -es	الغای قانون
Ausarbeitung eines -es	پیش نویس قانون
Verfassungsmäßigkeit eines -es	تطبیق قانونی باقانون اساسی
Verfassungswidrigkeit eines -es	خلاف قانون اساسی بودن یك قانون
- von Angebot und Nachfrage	قانون عرضه و تقاضا
ein - abschaffen	قانونی را منسوخ کردن
ein - anwenden	قانونی را اجرا کردن
ein - auslegen	قانونی را تفسیر کردن
ein - befolgen	قانونی را رعایت کردن
unter ein - fallen	مشمول قانونی شدن
aufgrund eines -es klagen	به موجب قانونی شکایت کردن
ein - außer Kraft setzen	قانونی را منسوخ کردن
ein - verkünden	قانونی را رسما" منتشرکردن
gegen ein - verstoßen	از قانونی تخلف کردن
Gesetzblatt	جریدهء رسمی (قانون)
Gesetzbuch	کتاب قانون
Bürgerliches -	کتاب قانون مدنی
Gesetzentwurf	طرح قانون
Ablehnung eines -es	ردیك طرح قانون
Annahme eines -es	تصویب یك طرح قانون
Behandlung eines -es	بررسی یك طرح قانون
Beraten eines -es	شور یك طرح قانون
Billigung eines -es	تصویب یك طرح قانون بوسیلهکابینه
durch das Kabinett	
Einwände gegen einen -	ایراد به یك طرح قانون
erste (zweite) Lesung eines -es	قرائت اول (دوم) یك طرح قانونی
- der Bundesregierung	طرح قانونی دولت
über einen - abstimmen	یك طرح قانون را به رای گذاشتن
einen - einbringen	یك طرح قانون تقدیم کردن
Gesetzesänderung	اصلاح قانون
Gesetzesanwendung	اجرای قانون
Gesetzesausarbeitung	پیش نویس / طرح قانون
Gesetzesauslegung	تفسیر قانون

Gesetzesberatung	شور (طرح) قانون
Gesetzesinitiative	ابتکارقانونگزاری
Gesetzeskraft - erlangen	قوت قانونی قوت قانونی یافتن
Gesetzesverkündung	انتشار رسمی قانون
Gesetzesvorlage auch: Gesetzentwurf	طرح قانون
gesetzgebend -e Geewalt -e Körperschaft -e Versammlung	قانونگذار ، مقنن قوه، مقننه نهاد قانونگذار هیات مقننه / مجلس قانونگذاری
Gesetzgeber Absicht des -s	قانونگذار قصد قانونگذار
Gesetzgebung - des Bundes - der Länder	قانونگذاری قانونگذاری کشوری قانونگذاری ایالتی
Gesetzgebungsantrag	درخواست قانونگذاری
Gesetzgebungsbefugnisse	اختیار قانونگذاری
Gesetzgebungsfunktion	وظیفه، قانونگذاری
Gesetzgebungsgegenstand	موضوع قانونگذاری
Gesetzgebungsgewalt	قوه، مقننه
Gesetzgebungshoheit	قلمرو قانونگذاری
Gesetzgebungsinstanz	مرجع قانونگذاری
Gesetzgebungskompetenz	صلاحیت قانونگذاری
Gesetzgebungsnotstand	اضطرار قانونگذاری
Gesetzgebungsperiode	دوره، تقنینیه
Gesetzgebungspolitik	سیاست قانونگذاری
Gesetzgebungsprioritäten	اولویت های قانونگذاری
Gesetzgebungsverfahren	روند قانونگذاری
Gesetzgebungsversammlung	مجلس قانونگذاری
Gesetzgebungsvollmachten	اختیارات قانونگذاری
gesetzlich - geregelt - geschützt	قانونی قانونا" مقررشده تحت حمایت قانون
Gesetzlichkeit	مشروعیت قانونی
gesetzmäßig	مطابق قانون ، قانونی

Gesetzmäßigkeit	مطابقت با قانون
gesetzwidrig	خلاف قانون ، غیر قانونی
Gesetzwidrigkeit	غیر قانونی بودن ، نامشروعی
Gesichtspunkt	دیدگاه
ein neuer -	دیدگاه نو ینی
Gespenst	شبح
gesperrt	مسدود
Gespräche	مذاکرات
bevorstehende -	مذاکرات در شرف وقوع
konstruktive -	مذاکرات سازنده
langwierige -	مذاکرات طولانی / وقت گیر
vertrauliche -	مذاکرات محرمانه
vorbereitende -	مذاکرات مقدماتی
Abbruch der -	قطع مذاکرات
Aufnahme von -n	آغاز مذاکرات
Fehlschlag der -	شکست مذاکرات
Wiederaufnahme der -	ازسرگرفتن مذاکرات
- auf Botschafterebene	مذاکرات در سطح سفرا
- hinter den Kulissen	مذاکرات پشت صحنه
- über die Begrenzung der strategischen Rüstung	مذاکرات در باره محدودکردن تسلیحات استراتژیك
- abbrechen	مذاکرات را قطع کردن
- aufnehmen	مذاکرات را آغازکردن
- führen	مذاکره کردن
gesprächsbereit	آماده، مذاکره
Gesprächspartner	طرف مذاکره
Gesprächsrunde	دور مذاکرات
Gesprächsstadium	مرحله، مذاکره
gestalten	ترتیب دادن ، سامان دادن
eine Politik -	سیاستی را ترتیب دادن
Gestaltung	سامان ، ترتیب
Gesuch	درخواست ، تقاضا
Gesundheitsminister	وزیر بهداری
Gesundheitsministerium	وزارت بهداری
Gesundheitsorganisation	سازمان بهداشت
Gesundheitswesen	بهداری
Gesundung	بهبود، بازیافت سلامت
Gewährleistung	تضمین ، تامین
gewähren	تامین کردن ، دادن ، اعطاکردن
freien Abzug -	خروج آزادرا تامین کردن

jemandem Asyl -	به کسی پناه / پناهندگی دادن
Immunität -	مصونیت اعطا کردن
Gewalt	قوه ، زور
exekutive -	قوه، مجریه
gesetzgebende -	قوه مقننه
höhere -	قوه، قهریه
legislative -	قوه مقننه
Oberste -	قوه عالیه
richterliche -	قوه قضائیه
verfassungsgebende -	قوه موسسان
verfassungsmäßige -	قوه، قانون اساسی
vollziehende -	قوه، مجریه
Gewaltakt	عمل عنفی
Gewaltandrohung	تهدید بزور
Gewaltanwendung	اعمال زور
Gewalten	قوا
Gewaltenteilung	تفکیک قوا
Gewaltenteilungsdoktrin	دکترین تفکیک قوا
Gewaltentrennung	تفکیک قوا
Gewalthandlung	عمل عنفی
Gewaltlosigkeit	مسالمت
Gewaltmaßnahmen	اقدامات جبری
Gewaltpolitik	سیاست زور
Gewalttat	عمل عنفی
Gewaltverzicht	چشم پوشی از اعمال زور
Gewaltverzichtsabkommen	موافقتنامه چشم پوشی از اعمال زور
Gewässer	آب ها
in neutralen -n	در آب های بی طرف
Gewerkschaft	اتحادیه کارکنان
Gewerkschaftsapparat	دستگاه اتحادیه کارکنان
Gewerkschaftsbewegung	نهضت اتحادیه های کارگری
Gewerkschaftsbund	فدراسیون اتحادیه های کارگری
Gewerkschaftsdelegierte	نماینده، اعزامی اتحادیه کارگری
Gewerkschaftsführer	رهبر اتحادیه کارگری
Gewerkschaftsführung	رهبری اتحادیه ، کارگری
Gewerkschaftsfunktionär	کارکزار اتحادیه کارگری

Gewerkschaftsmitglied	عضو اتحادیه کارگری
Gewerkschaftsmitgliedschaft	عضویت در اتحادیه کارگری
Gewerkschaftsorganisation	سازمان اتحادیه کارگری
Gewerkschaftspolitik	سیاست اتحادیه کارگری
Gewerkschaftsvertreter	نماینده اتحادیه، کارگری
Gewerkschaftsvorsitzender	رئیس اتحادیه کارگری
Gewerkschaftsvorstand	هیات رئیسه اتحادیه کارگری
gewinnen den Krieg - eine Wahl -	بردن ، پیروز شدن درجنگ پیروز شدن انتخابات را بردن
Gewissen	وجدان
Gewissensfreiheit	آزادی وجدان ، آزادی فتوای باطن
Gewissensgründe	دلایل وجدانی
Gewohnheit	عادت ، عرف
Gewohnheitsrecht internationales -	حقوق عرفی حقوق عرفی بین المللی
Ghetto oder Getto	محله، اقلیت ها
Giftgas	گاز سمی
Gipfel	سر ، راس ، قلهٔ
Gipfelabkommen	موافقتنامه سران (کشورها)
Gipfeldiplomatie	دیپلماسی سران (کشورها)
Gipfelgespräche	مذاکرات سران (کشورها)
Gipfelkonferenz	کنفرانس سران (کشورها)
Gipfeltreffen	ملاقات سران (کشورها)
glauben	ایمان داشتن ، باورکردن
Glauben	ایمان
Glaubensfreiheit	آزادی ایمان ، آزادی عقیده
Gläubigerland	کشور وام دهنده
Gleichbehandlung	تساوی رفتار
Gleichberechtigung - von Mann und Frau	تساوی حقوق تساوی حقوق زن ومرد
gleichgesinnt	همفکر

Gleichgewicht	توازن ، تراز ، موازنه
atomares -	توازن قدرت اتمی
außenwirtschaftliches -	موازنه / تراز بازرگانی خارجی
militärisches -	توازن قدرت نظامی
strategisches -	توازن قدرت سوق الجیشی
Störung des -es	بهم خوردن توازن قدرت / قوا
Wiederherstellung des -es	استقرار توازن قدرت / قوا
- zwischen Angebot und Nachfrage	موازنه / توازن عرضه و تقاضا
- der Kräfte (Mächte)	توازن قوا / قدرت ها
- des Schreckens	توازن وحشت
Gleichgewichtspolitik	سیاست توازن قوا
Gleichheit	برابری، مساوات ، تساوی
soziale -	تساوی حقوق اجتماعی
- vor dem Gesetz	مساوات در برابر قانون
Gleichheitsprinzip	اصل برابری
gleichschalten	همرنگ کردن (از لحاظ سیاسی)
Gleichstellung	برابرکردن ، تساوی حقوق قائل شدن
- der Frau mit dem Manne	حقوق مساوی برای زن و مرد قائل شدن
Gliederung	طبقه بندی ، ساختار ، تقسیم بندی
administrative -	تقسیم بندی اداری
wirtschaftliche -	ساختار اقتصادی
- nach Einkommensgruppen	طبقه بندی براساس گروههای درآمد
Gliedstaaten	ایالات عضو / سازنده
- der Bundesrepublik	ایالات عضو / سازنده جمهوری فدرال
global	جهانی ، کلی ، عام ، جامع
-e Probleme	مسائل جهانی
Globalstrategie	استراتژی جامع
Glückwunsch	تبریك
Glückwunschadresse	نامه تبریك
Glückwunschansprache	خطابه / خطبه / سخنرانی تبریك
Glückwunschbotschaft	پیام تبریك
Glückwunschschreiben	نامه، تبریك
Glückwunschtelegramm	تلگرام تبریك
Gnade	رحمت ، بخشایش
Herrscher von Gottes -n	سلطان برحمت الهی
Gnadenakt	عمل رحمت ، عفو
Gnadengesuch	درخواست عفو
Gnadenrecht	حق عفو
Golfkrieg	جنگ خلیج فارس

Good-will-Mission	ماموریت حسن نیت
Good-will-Reise	سفر حسن نیت
Gorilla	محافظ
Gottesgnadentum	حق برحمت الهی (حق الهی پادشاه)
Gottesstaat	خداشهر ، حکومت الهی
Gouverneur	فرماندار ، رئیس بانك
Gouverneursposten	فرمانداری
Gouverneursrat	شورای فرمانداران
Grab(mal) - des unbekannten Soldaten	آرامگاه ، مقبره مقبره سربازگمنام
Grabrede	سخنان سرقبر
Graf	کنت
Gräfin	کنتس
Graue Eminenz	ریش سفید (شخصیت بانفوذ سیاسی بدون حضوردر صحنه)
Gratulation	تبریك
Gratulationscour	ضیافت تبریك تولد
Gremium parlamentarisches - ständiges -	هیات ، کمیته کمیته ، پارلمانی هیات / کمیته دائمی
Grenzabkommen	موافقتنامه مرزی
Grenzabschnitt	بخش مرزی
Grenzberichtigung	اصلاح مرزی
Grenzbevölkerung	اهالی مناطق مرزی
Grenzbewohner	ساکنان مناطق مرزی
Grenze künstliche - natürliche - offene (grüne) - sichere - verteidigungsfähige - Unverletzbarkeit der -n	مرز مرز غیر طبیعی مرزطبیعی مرز باز مرز امن مرز قابل دفاع مصونیت مرزها
Grenzfestsetzung	تعیین مرز
Grenzfluß	رودخانه مرزی
Grenzgebiet	منطقه مرزی
Grenzkonflikt	اختلاف مرزی

Grenzkorrektur	اصلاح مرزی
Grenzkrieg	جنگ مرزی
Grenzlinie	خط مرزی
Grenzpolizei	پلیس مرزی
Grenzschließung	بستن مرز
Grenzsperre	مانع مرزی
Grenzstreit	اختلاف مرزی
Grenztruppen	نیروهای مرزی
Grenzübergangspunkt	نقطه عبور مرزی ، گذرگاه مرزی
Grenzüberschreitung	عبور از مرز
Grenzverhandlungen	مذاکرات مرزی
Grenzverkehr	ترافیک / عبور ومرور مرزی
Grenzverlauf	خط مرزی
Grenzverletzung	تخلف مرزی
Grenzvertrag	قرارداد مرزی
Grenzziehung	خط کشی مرزی
Grenzzwischenfall	سانحه مرزی
Greueltat	عمل وحشت انگیز
Grieche	یونانی (ملیت)
griechisch	یونانی (صفت)
Großbritannien	بریتانیای کبیر / بزرگ
Große Sozialistische Oktoberrevolution	انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر
Großgrundbesitz	مالکیت بزرگ (زمین)
Großgrundbesitzer	مالکان بزرگ زمین
Großmacht	قدرت بزرگ
Großmächte unter dem Druck der - Garantien der - Konferenz der -	قدرت های بزرگ تحت فشار قدرتهای بزرگ تضمین های قدرتهای بزرگ کنفرانس قدرتهای بزرگ
Großmachtinteressen	مصالح قدرتهای بزرگ
Großmachtpolitik	سیاست قدرت بزرگ
Großmeister	استاد بزرگ (فراماسون ها)

Grundbedarf	نیازهای اولیه
Grundeigentum	مالکیت زمین
Gründe	دلایل
aus gesundheitlichen -n	بدلایل وضع مزاجی
aus verfassungsmäßigen -n	بدلایل مبتنی بر قانون اساسی
gründen	تاسیس کردن
eine Organisation-	سازمانی تاسیس کردن
Gründer	موسس
Gründerjahre	سالهای بنیاد گذاری
auch: Gründerzeit	(آلمان پس از ۱۸۷۱)
Gründerzeit	دوره، بنیاد گذاری (آلمان پس از ۱۸۷۱)
auch: Gründerjahre	
Grundfreiheiten	آزادیهای اساسی
Grundgehalt	حقوق اصلی
Grundgesetz	قانون اساسی
Auslegung des -es	تفسیر قانون اساسی
Bestimmungen des -es	مقررات قانون اساسی
übereinstimmung mit dem -	مطابقت با قانون اساسی
Unvereinbarkeit mit dem -	منافات باقانون اساسی
Vereinbarkeit mit dem -	سازگاری باقانون اساسی
Verletzung des -es	تخلف ازقانون اساسی
das - ändern	قانون اساسی را اصلاح کردن
das - verletzen	از قانون اساسی تخلف کردن
Grundgesetzänderung	اصلاح قانون اساسی
grundgesetzkonform	مطابق قانون اساسی
Grundgesetztreue	وفاداری به قانون اساسی
grundgesetzwidrig	خلاف قانون اساسی
Grundlage	مبنا
gesetzliche -	مبنای قانونی
verfassungsrechtliche -	مبنای قانون اساسی
auf eine breite - stellen	بر مبنای وسیعی قرار دادن
Grundordnung	نظام (اساسی)
freiheitlich demokratische -	نظام دموکراتیک آزاد
marktwirtschaftliche -	نظام مبتنی بر اقتصاد بازار
Grundpflichten	وظایف اصلی / بنیادی
Grundprinzipien	اصول اساسی
Grundrechte	حقوق اولیه
Grundsatz	اصل
außenpolitischer -	اصل سیاست خارجی
völkerrechtlicher -	اصل حقوق بین الملل
- der Gegenseitigkeit	اصل معامله بمثل

- der Gewaltenteilung - der Spezialität	اصل تفکیک قوا اصل مورد خاص
Grundsatzdebatte	بحث اصولی
Grundsatzentscheidung	تصمیم اصولی
Grundsatzerklärung politische -	بیانیه اصولی بیانیه اصولی سیاسی
Grundsatzprogramm	برنامه اصولی
Grundstein	سنگ بنیاد
Grundsteinlegung	سنگ بنیاد نهادن ، شالوده نهادن / گذاشتن
Grundstoff	ماده، اولیه
Gründung - der Europäischen Wirtschaftsgemeinschaft	بنیانگذاری بنیانگذاری بازار مشترک
Gründungsakte	سند بنیانگذاری
Gründungskonferenz	کنفرانس بنیانگذاری
Gründungskonvention	کنوانسیون بنیانگذاری
Gründungsurkunde	سند بنیانگذاری
Gründungsversammlung	مجلس بنیانگذاری / موسسان
Grundwerte	ارزش های اساسی
Grundwiderspruch	تناقض اصلی / اساسی
Grünen, Die	حزب سبزها
Gruppe abgespaltete - n rivalisierende politische -n	گروه گروههای منشعب گروههای سیاسی رقیب
Grußbotschaft	پیام تحیات
gültig die Wahl ist -	معتبر انتخابات معتبر است
Gültigkeit gesetzliche - erlangen rückwirkend - erlangen - verlängern	اعتبار اعتبار قانونی یافتن اعتبارقانونی یافتن باعطف بماسبق تمدید اعتبار کردن
Gültigkeitsdauer	مدت اعتبار
Gültigkeitserklärung	اعلام اعتبار
günstig	مناسب
Günstling	مقرب ، سوکلی ، طرف توجه
Guerillakrieg	جنگ پارتیزانی / چریکی

Gut	مزرعه
Gutachten	اظهار نظر کارشناس
Gutachter	کارشناس (صاحب نظر)
gute Dienste **(engl.: good offices)**	مساعی جمیله
Haager Friedenskonferenz für Internationales Privatrecht	کنفرانس صلح لاهه برای حقوق بین‌الملل - خصوصی
Haager Friedenskonferenzen	کنفرانس های صلح لاهه
Haager Konventionen	کنوانسیون های لاهه ، عهد نامه‌های لاهه
Haager Schiedshof	دیوان داوری لاهه
Haft	زندان
Häftling **politischer -**	زندانی زندانی سیاسی
Haftstrafe	کیفر زندان
Haftung **völkerrechtliche -**	مسئولیت مسئولیت (حقوقی) بین المللی
halbamtlich	نیمه رسمی
Halbmast **auf -**	نیمه افراشته
Halbmond **Roter -**	هلال هلال احمر
halbsouveräner Staat	دولت نیمه مستقل
Halsstarrigkeit	سرسختی (در رای)
Hallstein-Doktrin	دکترین هالشتاین
Haltung **abwartende -** **drohende -** **feindliche -** **feste -** **flexible -** **nachgiebige -** **neutrale -** **regierungsfreundliche -** **unnachgiebige -** **unpolitische -** **eine feste - einnehmen**	موضع ، موقف ، برخورد موضع محتاطانه موضع تهدید آمیز برخورد خصمانه موضع محکم موضع انعطاف پذیر موضع توام با گذشت موضع بی طرفانه موضع طرفدار دولت موضع سرسختانه موضع غیر سیاسی موضع محکمی اتخاذ کردن
Hammer und Sichel	چکش و داس
Handel **innergemeinschaftlicher -**	بازرگانی ، تجارت بازرگانی داخلی جامعه اروپا

den - beschränken	تجارت را محدود کردن
den - fördern	تجارت را ترویج کردن
Handeln	اقدام ، عمل
gemeinsames -	اقدام مشترك
solidarisches -	همبستگی در عمل ، عمل هماهنگ
Handelsabkommen	موافقتنامه بازرگانی
Handelsabordnung	هیات بازرگانی
Handelsattaché	وابسته بازرگانی
Handelsbeschränkung	محدودیت بازرگانی
Handelsbeziehungen	روابط بازرگانی
Handelsbilanz	ترازبازرگانی / موازنه تجاری
aktive (passive)	تراز مثبت (منفی) بازرگانی ، موازنه مثبت (منفی) تجاری-
Handelsbilanzdefizit	کسر موازنه بازرگانی / تجاری
Handelsbilanzüberschuß	مازاد موازنه بازرگانی
Handelsblockade	محاصره، تجاری
Handelsdelegation	هیات بازرگانی
Handelsfreiheit	آزا دی بازرگانی
Handelsgericht	دادگاه بازرگانی
Handelsgerichtsbarkeit	قلمرو قضائی بازرگانی
Handelskammer	اطاق بازرگانی
Internationale -	اطاق بازرگانی جهانی
Handelskrieg	جنگ بازرگانی
Handelsmacht	قدرت بازرگانی
Handelsminister	وزیر بازرگانی
Handelsministerium	وزارت بازرگانی
Handelsmission	نمایندگی بازرگانی
Handelsmonopol	انحصار بازرگانی
Handelsorganisation	سازمان بازرگانی
Internationale -	سازمان جهانی بازرگانی
Handelspolitik	سیاست بازرگانی
Handelspräferenzen	امتیاز ات تجاری
Handelsrat	رایزن بازرگانی
Handelsrecht	حقوق تجاری
Handelsschiedsgericht	دادگاه داوری بازرگانی

Handelsschiff	کشتی تجاری
Handelsschranken	موانع تجاری
Handelsvertrag	قرار داد بازرگانی
Handelsverkehr	مناسبات بازرگانی
Handelsvertretung	نمایندگی بازرگانی
Handelsvolumen	حجم مبادلات بازرگانی
Handlung	عمل ، اقدام
feindselige -	اقدام خصمانه
kriegerische -	عمل / اقدام جنگی
strafbare -	عمل مستوجب مجازات
unfreundliche -	عمل غیر دوستانه
Handlungsfähigkeit	توانائی عمل
Handlungsfreiheit	آزادی عمل
Handlungsspielraum	میدان عمل
Handstreich	حمله ناگهانی / غافل گیرکننده
harte Währung	ارز قوی
Hauptabteilung	اداره، کل
Hauptausschuß	کمیسیون کل
Hauptmann	سروان
Hauptorgan	نهاد اصلی
-e der UNO	نهادهای اصلی سازمان ملل متحد
Hauptquartier	ستاد فرماندهی ، قرارگاه
Hauptstadt	مرکز کشور ، پایتخت
Hauptversammlung	اجلاس عمومی
Hauptvortrag	سخنرانی اصلی
Haus	کاخ سفید
das Weiße -	
Hausarrest	تحت نظر درخانه
unter - stellen	درخانه تحت نظر قراردادن
Haushalt	بودجه
ausgeglichener -	بودجه ، متوازن
außerordentlicher -	بودجه، فوق العاده
defizitärer -	بودجه کسردار
ordentlicher -	بودجه عادی
unausgeglichener -	بودجه ، نامتوازن
Aufstellung des -es	تنظیم بودجه
Bewilligung des -es	تصویب بودجه
Einbringung des -es	تقدیم طرح بودجه
Verabschiedung des -es	گذراندن طرح بودجه

Haushaltsabstimmung	رای گیری بودجه
Haushaltsänderungsgesetz	قانون اصلاح بودجه
Haushaltsausschuß	کمیسیون بودجه
Haushaltsdebatte	مذاکره پارلمانی بودجه
Haushaltsdefizit	کسر بودجه
Haushaltseinsparungen	صرفه جوئی های بودجه
Haushaltsentwurf	طرح بودجه
Haushaltsgesetz	قانون بودجه
Haushaltsgleichgewicht	توازن بودجه
Haushaltsjahr	سال بودجه ، دوره ٔ بودجه
Haushaltsperiode	دوره ٔ بودجه
Haushaltsplan	برنامه ٔ بودجه
Haushaltspolitik	سیاست بودجه
Haushaltsrestriktionen	محدودیت های بودجه
Haushaltsüberschuß	مازاد بودجه
Haushaltsverabschiedung	تصویب بودجه ، پذیرفتن بودجه
Haushaltsvorlage	طرح بودجه
H-Bombe	بمب هیدروژنی
Hegemonialansprüche	ادعاهای برتری طلبانه
Hegemonialbestrebungen	اقدامات برتری طلبانه
Hegemonialpolitik	سیاست برتری طلبانه
Hegemonialsystem	نظام برتری طلبانه
Hegemonie - der beiden Supermächte	برتری / تفوق طلبی برتری طلبی دوابر قدرت
heilig -e Allianz -e Stätte	مقدس اتحاد مقدس امکان مقدسه
Heiliger Krieg Heiliger Stuhl	جهاد ، جنگ مقدس کرسی مقدس ، مقام پاپ
Heiligkeit Seine - - der Verträge	قداست ، حرمت صاحب قداست (عنوان پاپ) حرمت قراردادها
Heimat	وطن ، میهن
Heimatrecht	حق توطن

Heimatstaat	کشور بومی
Heimatvertriebene	تبعیدی
heimschaffen	بازگرداندن بوطن (اسرا ، تبعیدیان)
Heimstätte	وطن (بومی)
nationale -	وطن ملی
Held	قهرمان
heldenhaft	دلیرانه ، قهرمان (وار)
-er Kampf	مبارزه دلیرانه :
das -e Volk	ملت قهرمان
Helfershelfer	عامل ، مزدور
Henker	جلاد
Herabsetzung	کاهش ، تقلیل ، پائین آوردن
- der Streitkräfte	تقلیل قوا ، کاهش نیروها
- des Wahlalters	پائین آوردن سن انتخاب
Herausforderung	مبارزه طلبی ، تحدی
herausgeben	منتشر کردن ، صادر کردن
ein Dementi -	تکذیبی صادر کردن
ein Kommuniqué -	اعلامیه‌ای منتشر کردن
heraushalten	برکنار (نگـه) داشتن
sich aus dem Krieg -	خودرا از جنگ برکنار داشتن
herbeiführen	موجب شدن
eine Entscheidung -	تصمیمی را موجب شدن
Herkunft	منشاء ، خاستگاه
soziale -	خاستگاه / منشاء اجتماعی
Herrenrasse	نژاد برتر ، نژاد سروران
Herrschaft	حکومت ، حکمرانی ، سلطنت
Herrschaftsform	نوع حکومت
Herrschaftssystem	نظام حکومت
herrschen	حکومت کردن ، سلطنت کردن
allein, unumschränkt -	تنهاو بلاقید ،شرط حکومت کردن
ein König herrscht in diesem Land	دراین کشور پادشاهی سلطنت می‌کند .
herrschend	حاکم
-e Klasse	طبقه حاکمه
Herrscher	حاکم ، حکمران
- von Gottes Gnaden	حاکم با حق الهی
Herrscherfamilie	دودمان سلطنتی ، خانواده حاکم
Herrschergeschlecht	دودمان سلطنتی

Herrscherhaus	خاندان سلطنتی
herstellen	برقرار کردن
Herstellung - des Friedens	برقراری برقراری صلح
hervorheben ich möchte -	تاکید کردن می‌خواهم تاکید بکنم
hervortreten	بروزکردن
herzlich	صمیمانه
Herzog	دوك
Herzogin	دوشس
Herzogtum	دوك نشین
Hetzagent auch: Agent provocateur	عامل / جاسوس تحریك کننده
Hetze	تحریك
hetzen	تحریك کردن
Hetzer	تحریك کننده
Hetzflugblätter	شب نامه‌های تحریك کننده
Heuchelei	نفاق . ریاء
Heuchler	منافقان ، ریاکاران
heterogen	ناهمگن ، نامتجانس
Hierarchie	سلسله مراتب
Hierokratie	حکومت روحانیان ، حکومت کشیشان
Hilfe technische -	کمك کمك فنی
Hilfeleistung technische - - auf hoher See	کمك رسانی ، امداد کمك رسانی فنی کمك رسانی در دریانوردی‌امداد اضطراری به کشتی‌ها
Hilfsaktion	عملیات امدادی
Hilfsfond	صندوق امداد
Hilfskomitee	کمیته امداد
Hilfsorgan	نهاد وابسته
Hilfsorganisation	سازمان امداد
Hilfsquelle	منبع امداد / کمك رسانی
Hilfswerk	سازمان امداد

hindern	مانع‌شدن ، سدراه شدن
Hindernis	ممانعت ، سد (راه)
Hinhaltepolitik	سیاست دفع الوقت
hinreichend	کافی
Hinrichtung	اعدام
Hinterbänkler	ته نشین مجلس نمایندگان ، نماینده کم اهمیت
hinterlegen die Ratifizierungsurkunde bei einer Regierung -	بامانت سپردن اسناد مصوبات را نزد دولتی بامانت سپردن
Hinterhalt	کمین
Hinterlist	حیله ، دسیسه
Hinterlassenschaft	ترکه ، میراث
Hintermänner	مردان پشت پرده
hinwegsetzen sich über einen Einwand - sich über alle Verträge - sich über ein Veto -	اعتنا نکردن ، پای بند نبودن به ایرادی اعتنا نکردن به هیچ قراردادی پای بند نبودن خودرا به وتوئی پای بند ندانستن
Hinzuwahl	انتخاب اعضای اضافی
hissen die Flagge -	برافراشتن پرچم را برافراشتن
Hochadel	طبقه اشراف
Hochburg - der Partei	سنگر ، پایگاه سنتی پایگاه سنتی حزب
Hochkommissar - der Vereinten Nationen für Flüchtlinge	کمیسار عالی کمیسار عالی سازمان ملل متحد برای آوارگان
Hochkonjunktur auch: Boom	رونق اقتصادی
Hochverrat	خیانت بزرگ
Hochzinspolitik	سیاست بهره، زیاد
Hof auch: Hofstaat	دربار
Höflichkeitsbesuch	ملاقات معارفه ، ملاقات مجامله
Höfling	در باری ، عضو دربار
Hofstaat auch: Hof	دربار
Hohe Behörde	اداره عالی

Hohe See	آبهای غیر ساحلی
Hoheit	۱ـ والاحضرت ۲ـ حاکمیت ، قلمرو
Hoheitsakt	اقدام (رسمی) دولتی
Hoheitsgebiet - des ersuchenden Staates	قلمرو ارضی ، منطقه حاکمیت قلمرو ارضی دولت متقاضی
Hoheitsgewalt	قدرت حاکمیت
Hoheitsgewässer	آبهای ساحلی تحت حاکمیت
Hoheitsrechte	حقوق حاکمیت
Hoheitszeichen	نشان / آرم ملی
Höhepunkt	اوج
homogen	همگن ، متجانس
Honorarkonsul	کنسول افتخاری
Honorarkonsulat	کنسولگری افتخاری
Honoratiorenpartei	حزب اعیان
Hospitant	نماینده، مهمان (در فراکسیونی که عضوآن نیست)
House of Commons auch: Unterhaus	مجلس عوام
House of Lords auch: Oberhaus	مجلس اعیان
Humanismus	اومانیسم ، انسانی گری ، فرهنگ انسانی
Humanitäres Völkerrecht	حقوق بین المللی انسانی
Humanitätsverbrechen	جنایات ضد بشر
Huldigung	بیعت ، تعظیم
Hungerblockade	محاصره قحطی
Hungerstreik	اعتصاب غذا
Hurrapatriot	میهن پرست هوراکش
Hüter der Verfassung	حافظ قانون اساسی